

سخن روز ۱۲ شهریور

### هیچ بحرانی نیست: "اموال مردم را به غارت بردیم و تمام شد"

اگر نگاهی ساده به اقتصاد ایران در مقایسه با اقتصاد جهانی در چهل سال گذشته ببینیم، تابلویی تاسف انگیز را شاهد خواهیم بود، در یک مقایسه و تقابل ابتدائی میان اقتصاد ایران و اقتصاد جهانی در می یابیم که در چهل سال گذشته ارزش پول ایران، یعنی ارزش مقایسه ای آن با ارزهای معتبر جهانی، دو هزار برابر افت کرده است. (دلار هفت تومان به حدود ۱۳ هزار تومان و سکه دو هزار دوپست تومان در چهل سال قبل به ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان رسیده است) و این در حالی است که همین ارزهای بین المللی نیز با کاهش ارزشی متناسب با تورم جهانی (متوسط ۳ درصد) در اروپا و امریکا نیز مواجه بوده اند.<sup>۱</sup>

حال اگر این دو هزار برابر افت ارزش پول ملی را به چهل سال گذشته تقسیم کنیم، به راحتی، به طور متوسط به رقم ۵۰ درصد افت ارزش پول در سال دست می یابیم و اگر همین امر را مبنای تورم قرار دهیم، مشخص می شود که در چهل سال گذشته چه بر سر کارگران و زحمتکشان و مزد و حقوق بگیران آمده است؛ و درستی آمار اعلام شده دولتی و وابستگان به قدرت روشن می شود که "بیش از پنجاه میلیون مردم ایران زیر خط فقر زندگی می کنند"، "بیش از بیست میلیون از جوانان آماده به کار فاقد شغل هستند"، "بیش از یک میلیون و دوپست هزار کودک کار داریم"، "نزدیک به ده میلیون معتاد"، "۶ میلیون کودک ترک تحصیل کرده اند"، "ایران در رقم تن فروشی بالاتر از تایلند قرار گرفته" و..... با همه این احوال مسئول اول مملکت می گوید: "بحران نداریم"

این امر مشخص است زیرا که در برابر این فقر و سیه روزی مردم تحت ستم، ناگهان خزانه داری آمریکا اعلام می کند که بیش از ۱۴۰ میلیارد دلارهای بانکی آفزاده های ایران را توقیف کرده است و صورت آن را نیز منتشر می کند و رئیس پیشین بانک مرکزی ایران هم تایید می کند.<sup>۲</sup> اما آب از اب تکان نمی خورد و هر روز خبری از اختلاسی جدید، فرار مدیران، پناهنده شدن آنان با دلارهای چمدانی و غیرچمدانی و یا رفتن و مهاجرت خانواده مدیری به کشورهای اروپائی و آمریکائی منتشر می شود. (بسیاری از این دست خبرها، با عکس و فیلم است و قابل تکذیب هم نیست) معلوم نیست از نظر این آقایان بحران چیست؟ یکی از این اقلام در دنیای امروزی و کشوری دیگر کافی است تا دولتی سرنگون شود!!

طبیعی که در وجه حکومتیان و وابستگان ثروت و قدرت، بحران چندانی نیست؛ زیرا که با اموال به غارت رفته مردم در آن طرف آب برای خودشان و افراد خانواده زندگی های مرفهی ترتیب داده اند و از گرانی و تحریم به آلف، الوف فراوانی رسیده اند؛ اما برای مردم عادی که هرروز صبح باید مایحتاج زندگی را گرانتر از قبل تهیه کنند و هر روز دستشان از موارد اولیه زندگی کوتاه تر می شود، بحرانی عمیق حاکم است. هر روز عده بیشتری از مردم به فقر و فلاکت کشانده می شوند، زندگی ها از هم می پاشد، زنان و کودکان و سالخوردهگان آواره خیابان ها می شوند، هر روز آلودگی بیشتری می یابد و فروش اعضای بدن تا تمام بدن گسترش می یابد و بحران زنده ماندن گریبانگیر اکثریت مردم می شود، بحرانی که بالاترین بحران هاست،

پدیری که توانائی تهیه مایحتاج زندگی را ندارد و مادری که قادر نیست خشک کودکش را فراهم کند و در عین حال درگیر تهیه سرپناه برای خود و فرزندانش هست، از نظر صاحبان قدرت و سرمایه قابل درک نیستند و در نتیجه بحرانی را نمی یابند، اما او و همانندان او کم نیستند که در بحران فوق العاده قرار دارند و مرگ را بر این زندگی ترجیح می دهند، تنها در مدتی کوتاه ۴ نفر از کارگران هفت تپه خودکشی کردند و امار این پدیده هر روز رو به افزایش است، در حالی که کولبران همواره در معرض تیراندازی و قتل قرار دارند اما هر روز آمار افرادی که از سر استیصال به این شغل روی می آورند در حال افزایش است و هر روزه کارتن خوابها

و بی خانمان ها افزایش می یابند اما تمام این ها از نظر قدرتمدارن بحران نیست، آنها زمانی بحران را می فهمند که شورش گرسنگان را در یک قدمی خود ببینند اما آن روز دیگر دیر است.

- 1- <https://www.msn.com/?ocid=iehp>
- 2- <http://www.ion.ir/News/381335.html>